

# افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و برزنده یک تن مباد  
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Iran's M.

آئینه ایران

سهیلا

۲۹ می ۲۰۱۹

## جمهوری اسلامی و تهدید اروپا با "سیل مهاجران"!

به دنبال خروج ایالات متحده امریکا از توافقنامه هسته ای با جمهوری اسلامی معروف به "برجام" و اعمال تحریم های گوناگون از سوی دولت امریکا و از جمله جلوگیری از صدور نفت ایران به بازارهای جهانی، بحرانهایی که جمهوری اسلامی را فرا گرفته بود هر چه بیشتر تشدید شد. در یک سالی که از خروج امریکا از برجام می گذرد، رژیم جمهوری اسلامی تلاش کرد با توجه به تاکید بقیه کشورهای دخیل در این توافقنامه مبنی بر پایبندی به برجام، شاید بتواند فشارهای تحریم های امریکا را با تکیه بر مبادله با کشور های اروپایی تا حدی تعدیل نماید که عملاً این امر هم با توجه به اهرم تحریم های ثانوی امریکا که مطابق آن در صورت نقض تحریم های امریکا توسط کمپانی های معامله کننده با جمهوری اسلامی، آنها نیز مورد تحریم و جریمه قرار می گیرند، کمکی به رژیم نکرد. در چنین شرایطی روحانی، رئیس جمهور رژیم شروع به تهدید "قدرتهای اروپایی" دخیل در برجام نموده و به آنها هشدار داد که اگر منافع ایران در قالب توافق هسته ای، برآورده نشود ایران نمی تواند هزینه مبارزه با "قاچاق مواد مخدر، مسایل امنیتی و پذیرش پناهنجویان" را بپردازد. روحانی با اعلام ایران به مثابه "بزرگترین سنگر مبارزه با مواد مخدر" و کشوری که با پذیرش پناهندگان مانع جاری شدن "سیل مهاجرین" به سوی اروپا شده است، نشان داد که جدا از رجز خوانی در باره بستن تنگه هرمز، قصد دارد با تکیه بر سه موضوع بالا قدرت های اروپایی را تحت فشار بگذارد تا شاید در این بن بست فزاینده، فرجی حاصل شود.

به دنبال این هشدار، در ۱۸ اردیبهشت (۸ مه ۲۰۱۹) عباس عراقچی، یکی از معاونان وزارت خارجه جمهوری اسلامی با یاهو گوئی علیه مهاجرین افغان در ایران، خشم مردم آگاه ایرانی و افغانستانی را علیه رژیم جنایتکار جمهوری اسلامی شعله ورتر کرد. او در یک برنامه تلویزیونی ادعا کرد که در حال حاضر "بیش از ۳ میلیون افغانستانی در ایران هستند که ۲ میلیون فرصت شغلی را اشغال کرده اند و سالانه ۳ تا ۵ میلیارد یورو از ایران خارج می کنند و ... در مجموع ۸ میلیارد یورو برای کشورمان هزینه دارند... هزاران دانش آموز و دانشجوی افغان به رایگان در ایران تحصیل می کنند" و غیره. عراقچی سپس با اتکاء بر این دروغ ها، به تهدید اروپایی ها و مهاجرین رنج دیده افغان ساکن ایران پرداخت و گفت که "اگر فروش نفت به صفر برسد، جمهوری اسلامی مجبور است سیاست ویژه ای را برای اقتصاد خود در نظر بگیرد و از افغان ها بخواهد به کشور خودشان یا به کشورهای دیگر بروند".

اولا این اظهارات ضد مردمی نشان می دهند که جمهوری اسلامی می کوشد با بازی با سرنوشت هزاران مرد و زن و کودک افغانستانی که از شرایط جنگی کشورشان گریخته و به ایران پناهنده شده اند، آن ها را وسیله فشار علیه کشورهایی کند که در جریان تحریم های امریکا نخواستند از جمهوری اسلامی نفت بخرند. این تاکتیک، کار بیشرمانه ایست که تنها از نیرو های ضد مردمی چون جمهوری اسلامی بر می آید. ثانيا همه ادعا های عراقچی راجع به وضع مهاجرین افغان در ایران از پایه دروغی بیش نیست.

واقعیت این است که مقادیر ناچیزی که کارگران افغان با پس انداز دستمزدهای بسیار پائین خود - که خیلی پائین تر از حداقل دستمزد رسمی است - برای خانواده هایشان می فرستند، در مقایسه با کار شدید و شرایط غیر انسانی حاکم بر محیط های کار آنان و در مقابل ثروت های افسانه ای که از چپاول دسترنج کارگران فوق ارزان افغانستانی به جیب سرمایه داران زالو صفت، عمال رژیم و حسابهای بانکی آن ها در کشورهای غربی سرازیر شده، بسیار ناچیز است. اتفاقا یکی از دلایل امکان حضور آن ها در ایران همین امکان استثمار شدید آن ها و منافع اقتصادی فراوانی می باشد که این امر برای طبقه حاکم داشته است.

کارگران افغان، کارگرانی که در شرایط بیگاری محض کار می کنند، از هر نوع حقوق کار، حق بیمه و درمان و عیدی و بازنشستگی و حتی دستمزد ثابت بی بهره اند، به همین خاطر هم سرمایه داران ایرانی خواهان حضور آن ها در کشور با هدف استثمار شدید آن ها می باشند.

عمال رژیم ادعا می کنند که مهاجران افغان عامل ناامنی اقتصادی و اجتماعی در ایران هستند. اما واقعیت این است که حضور کارگران مهاجر فوق ارزان در ایران برای طبقه سرمایه دار منبع منافع اقتصادی و سیاسی بی شماری بوده است. برای نمونه در سال ۱۳۹۲ که بحث فشار به پناهجویان و مهاجرین افغانستانی ساکن ایران بالا گرفته بود، رئیس پلیس سابق ایران رسماً اعلام کرد که نمی توان همه مهاجران افغان را از کشور اخراج کرد، چرا که قسمتی از چرخ اقتصاد کشور از چرخش می ایستد. زمانی که برخی از مهاجران افغان به علت سقوط ارزش پول ایران و تشدید بحران اقتصاد ایران تصمیم به خروج از ایران گرفتند، عبدالرضا هاشم زائی، نماینده مردم تهران در مجلس هشدار داد: "خروج کامل کارگران افغانی به طور حتم بخشی از بدنه کارهای عمرانی در سطوح شهری را دچار مشکل می کند که باید برای آن فکری کرد".

از سوی دیگر، در شرایطی که امریکا و کشورهای اروپایی خودشان با ترفند های مختلف جلوی ورود پناهندگان را گرفته اند و در عمل هیچ اهمیتی برای مهاجرین افغان، و یا مسئولیتی در قبال آن ها برای خود قائل نیستند. این دولت ها را از "سیل مهاجرین" افغانستانی ترساندن، تنها نشان می دهد که چقدر دست رژیم در این بازی خالی است.

ممکن است تهدید عراقچی در رابطه با اخراج پناهندگان افغان، این توهم را در ذهن برخی ایجاد کند که گویا جمهوری اسلامی تاکنون هیچ مهاجری را اخراج نکرده و این یک سیاست تازه است. اما واقعیت این است که این رژیم از ابتدای به قدرت رسیدنش، دست رژیم شاه را در زیر پا گذاشتن حقوق پناهندگان و اخراج و کشتار آن ها از پشت بسته است.

نزدیک به ۵۰ سال پیش و پس از شروع مداخلات نظامی حکومت شوروی سابق در افغانستان، بخشی از مردم افغانستان برای فرار از جنگ و فقر و بی خانمانی به ایران و دیگر کشورها پناهنده شدند. بر اساس آمار غیررسمی، تعداد این مهاجران در ایران بیش از سه میلیون نفر (حدود سه درصد جمعیت ایران) است. یعنی حدود سه درصد از فقیرترین کارگران در ایران، نه تنها به رسمیت شناخته نشده اند، بلکه هدف حملات وحشیانه نیروی سرکوب دولتی نیز قرار دارند و سالانه حدود ۱۵۰ هزار نفر آن ها از ایران اخراج می شوند. اکثر مهاجرین افغان به اجبار، دشوارترین، خطرناک ترین و غیربهداشتی ترین مشاغل را به عهده گرفته و از روی اجبار برای بقای خویش،

دستمزدهائی که بسیار کمتر از حداقل حقوق می باشد را تقبل کرده اند و اگر کوچک ترین اعتراضی کنند فوراً بیکار و از ایران اخراج می شوند. بسیاری از صاحبکاران با سوءاستفاده از غیرقانونی بودن وضعیت اقامت کارگران افغان در ایران، از پرداخت کامل حقوق آن ها خودداری می کنند. حتی مهاجرینی که با زنان ایرانی ازدواج کرده و خانواده تشکیل داده اند در وضعیت دشواری به سر می برند. از آن جا که بر اساس قوانین ایران، کودکی که می خواهد تابعیت ایرانی داشته باشد باید پدرش ایرانی باشد، این موضوع باعث شده مشکلات زیادی برای فرزندان مهاجران افغان که با زنان ایرانی ازدواج کرده اند، ایجاد شود و فرزندان آن ها گاه امکان تحصیل را از دست بدهند. (۱)

کارگران افغان جزو فقیرترین و فرودست ترین کارگران در ایران هستند و از ابتدائی ترین حقوق اجتماعی و انسانی بی بهره اند. به عنوان مثال، پیوند اعضا به مهاجران بیمار ممنوع است و این ممنوعیت غیرانسانی تاکنون منجر به مرگ تعدادی از مهاجرین بیمار شده است. لیست مقررات نژادپرستانه و رفتارهای غیرانسانی جمهوری اسلامی علیه مهاجران افغان از دستگیری بدون دلیل آنان گرفته تا متهم کردن آن ها به جنایات مختلف و بالاخره در قفس کردن و نمایش عمومی پناهجویان و مهاجرین بی گناه، بسیار بیشمار است و ذکر این موارد محدود، صرفاً مثنی از خروار می باشد.

با توجه به ماهیت رژیم وابسته به امپریالیسم جمهوری اسلامی، این گونه اقدامات نژادپرستانه به هیچ وجه عجیب نیستند. زیرا که دولت های دیکتاتور حافظ سرمایه داری وابسته در کشورهایی مانند ایران، به دلیل ماهیت ضدکارگری اشان، اساساً نمی خواهند و نمی توانند کوچک ترین نیازهای اقتصادی، اجتماعی و حقوق دموکراتیک و انسانی کارگران (چه مهاجر و پناهنده و چه شهروند) را تأمین کنند. (۲)

واقعیت این است که مبارزه علیه سیاست های نژادپرستانه حکومت علیه مهاجرین افغان در ایران، بخشی از مبارزه عمومی کارگران و زحمتکشان ایران برای سرنگون کردن جمهوری اسلامی و رهایی کامل از هر گونه ظلم و ستم سیستم سرمایه داری است.

قوانین و جو خصمانه علیه مهاجرین افغان دقیقاً همان سیاست ضد پناهندگی است که در اشکال و سطوح متفاوت، توسط طبقات حاکم در سراسر جهان سرمایه داری علیه پناهندگان اعمال می شود.

شرایط کار و زندگی کارگران مهاجر افغان در ایران، بخشی از یک پدیده جهانی در جهان سرمایه داری است. مهاجرین افغان نیز مانند پناهنده های آواره در مرز مکزیک و امریکا، آب های مرزی شمال آفریقا و اروپا، و آسیا و استرالیا، بخشی از ارتش عظیم بردگان سرمایه داری هستند که به عنوان یک اهرم فشار مستمر بر دستمزدها و شرایط اسفبار زندگی و کار کارگران در سطح جهان از آنها سوء استفاده می شود. دولت امریکا کشورهایی مانند ایران، افغانستان، سوریه، السالوادور، گواتمالا و هندوراس و ... همه کشورهای وابسته دیگر را به مناطق فاجعه آمیز تبدیل کرده است. در همه این کشورها، دولت امپریالیستی امریکا مسئول حمایت سیاسی و تسلیح و آموزش نظامی و اطلاعاتی رژیم های دیکتاتوری و یا دستجات مسلح مذهبی بوده و هست که بر اثر عملکردشان، ده ها هزار کارگر و زحمتکش و جوانان انقلابی در دهه های اخیر به قتل رسیده اند. از این روست که طبقه حاکم بر امریکا نیز همراه با رژیم های وابسته به آن (مانند جمهوری اسلامی و ...) مسئول اصلی نقض حقوق انسانی پناهندگان می باشد.

تبدیل تدریجی میلیون ها نفر به پناهندگان بی خانمان در سیستم سرمایه داری امری اجتناب ناپذیر است، سرمایه و کالاهای مصرفی می توانند آزادانه از مرزها عبور کنند اما انسان ها نمی توانند. در شرایطی که طبقات حاکم، آزادانه فقر و فلاکت و انواع مظالم را به کارگران و زحمتکشان در سطح جهان تحمیل می کنند، قربانیان آن ها نمی توانند هیچ گونه حمایت و احترام به حرمت انسانی اشان را از طبقات حاکم انتظار داشته باشند. بخصوص در شرایطی که قدرت

های امپریالیستی رقیب در حال تقسیم مجدد جهان از طریق راه اندازی جنگ در کشورهای مختلف هستند، و نژادپرستی و انواع مظاهر فرهنگ ارتجاعی را به کار گرفته اند تا در میان طبقه کارگر اختلاف ایجاد کنند و ظلم و ستم و دیکتاتوری خود علیه کارگران و زحمتکشان را توجیه کنند.

آمارها تأثیرات ویران کننده جنگ های امپریالیستی در تشدید استثمار طبقه کارگر را به نمایش می گذارند. در طول ۲۸ سال پس از انحلال شوروی، قدرت های امپریالیستی به رهبری ایالات متحده، موج بی سابقه ای از تجاوز نظامی و جنایت علیه کارگران و زحمتکشان را در سطح جهان به راه انداخته و میلیون ها نفر را کشته اند. تحت چنین شرایطی، یک سوم از ساکنان مناطق جنوب آفریقا و ۲۵ درصد از مردم خاورمیانه و آفریقای شمالی که مناطقی غنی از مواد معدنی و نفت هستند، قصد فرار از جنگ و فقر و انواع ظلم و ستم طبقات حاکم را دارند.

با توجه به این واقعیات، مسلماً اقدامات نژادپرستانه جمهوری اسلامی علیه مهاجرین افغان و استثمار کل طبقه کارگر ایران، دو روی یک سکه و یک سیاست یکسان ضد طبقه کارگر هستند. در واقع جمهوری اسلامی سیاست ها و عملکرد فاشیستی خود علیه پناهندگان را، بیشتر و بیشتر علیه مردم آزادیخواه و جوانان انقلابی تمرین و آزمایش کرده است. زیر پا گذاشتن حقوق پناهندگی افغان های ساکن ایران، ادامه سرکوب کل جامعه ایران و همچنین دست زدن جمهوری اسلامی به تحریکات جنگ افروزانه و ایجاد فضای ترس و وحشت در منطقه است.

در شرایط کنونی، مبارزات و اعتراضات کارگران و زحمتکشان آگاه ایران نشان می دهد که آن ها ماهیت جمهوری اسلامی را کاملاً شناخته و سیاست های نژادپرستانه و ضدکارگری آن، یک واقعیت شناخته شده برایشان می باشد. مردم آگاه ایران اکنون در تلاش برای یافتن مسیری انقلابی برای سرنگون کردن جمهوری اسلامی و مجازات عمال جنایتکار آن هستند. در چنین مسیری، مردم زجرکشیده و آگاه ایران به خوبی می دانند که پایان دادن به هر نوع ظلم و ستم و دفاع مؤثر از حقوق انسانی مهاجرین و به مجازات رساندن ستمگرائشان، در گرو اتحاد انقلابی کارگران و زحمتکشان و دیگر آزادیخواهان آگاه ایرانی و افغان است.

اردیبهشت ۱۳۹۸

### زیرنویس ها:

(۱) بسیاری از مهاجرین افغان، افراد آگاه و چپ انقلابی هستند که با رژیم ارتجاعی افغانستان مبارزه کردند و بر اساس قوانین بین الملل می بایست از حق پناهندگی سیاسی برخوردار شوند. اما جمهوری اسلامی چنین حقی برای آنها قائل نیست. به سخنرانی رفیق مشرف در مراسم سالگرد سیاهکل - در تورنتو - مراجعه کنید.

<https://www.siahkal.com/index/right-col/PF200-sokhanrani-Rafigh-Mosharaf-Toronto-20160220.htm>

(۲) سوءاستفاده جمهوری اسلامی از کارگران افغان به سوءاستفاده اقتصادی کارفرمایان محدود نمی شود. دولت ایران از آن ها به عنوان گوشت دم توپ نیز استفاده کرده و می کند. جمهوری اسلامی با تشکیل نیروئی به نام "الشکر فاطمیون" متشکل از افغان های ساکن ایران، آن ها را با تبلیغات مذهبی و وعده تابعیت ایرانی و کمک های مالی فریب داده، به میدان جنگ در سوریه فرستاد. پیش از آن نیز، برخی از مهاجرین به خاطر نیاز مالی و یا از روی ناآگاهی مذهبی و تحت تأثیر تبلیغات عوامفریبانه جمهوری اسلامی، در جنگ ایران و عراق شرکت کردند که بر اساس برخی گزارشات بیش از دو هزار نفرشان کشته شدند.

به نقل از: پیام فدائی، ارگان چریکهای فدائی خلق ایران

شماره ۲۳۸، اردیبهشت ماه ۱۳۹۸